

# شرح مبسوط قانون اساسی

عنوان پژوهش

## شرح بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۸۲

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۵/۰۴



## شناسنامه

عنوان:

شرح مبسوط قانون اساسی

شرح بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی

مؤلف: ابوالفضل درویشوند

زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی

معاونت پژوهشی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۸۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۵/۰۴

پژوهشکده شورای نگهبان



## شرح بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی

### فهرست مطالب

۲	چکیده.....
۳	مقدمه.....
۴	۱. پیشینه.....
۸	۲. مسئولیت رئیس جمهور در برخی از کشورها.....
۱۰	۳. تحلیل موضوع.....
۱۲	۳-۱. رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی توسط دیوان عالی کشور....
۲۲	۳-۲. رسیدگی به موضوع عدم کفایت رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی ...
۲۵	نتیجه گیری.....
۲۷	منابع و مأخذ.....

## چکیده

به موجب بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی دو روش می‌تواند موجبات عزل رئیس جمهور توسط مقام رهبری را در صورت اقتضای مصلحت کشور فراهم نماید. روش اول رأی دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی و روش دوم رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی است. روش رسیدگی مجلس شورای اسلامی به موضوع عدم کفایت رئیس جمهور در بند ۲ اصل ۸۹ قانون اساسی و قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مشخص شده است که بر اساس آن اگر نمایندگان اقدام به استیضاح رئیس جمهور در رابطه با اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور نمایند و دو سوم از نمایندگان به عدم کفایت وی رأی دهند موضوع برای اعمال صلاحیت عزل وی به مقام رهبری اعلام می‌شود. در خصوص رسیدگی دیوان عالی کشور به موضوع تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی، قانونی وجود ندارد و روش اعمال این صلاحیت توسط دیوان عالی کشور در قوانین مشخص نشده است. به همین دلیل نیز تصویب قانون در رابطه با موضوع ضروری است و قانونگذار باید با تصویب قانون مربوطه به طور شفاف نحوه رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور از وظایف قانونی را در دیوان عالی کشور مشخص نماید.

## واژگان کلیدی

استیضاح، عدم کفایت، تخلف از وظایف قانونی، نظارت، مسئولیت.

## مقدمه

به موجب اصول ۶۰ و ۱۱۳ قانون اساسی رئیس جمهور پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد. با توجه به اهمیت این جایگاه قانونگذار اساسی وی را از مسئولیت مبرا ندانسته و علی رغم اینکه رئیس جمهور منتخب مستقیم مردم است وی را در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو دانسته است. همچنین بر اساس قانون اساسی رئیس جمهور به دلیل تخلف از وظایف قانونی قابل پیگرد در دیوان عالی کشور بوده و رأی دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی و یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت رئیس جمهور می تواند موجبات عزل وی توسط مقام رهبری را ایجاد نماید.

به موجب بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، دو راهکار برای فراهم نمودن زمینه عزل رئیس جمهور توسط مقام رهبری در نظر گرفته شده است:

۱. حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی،
۲. رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم قانون اساسی.<sup>(۱)</sup>

هدف نوشتار پیش رو بررسی بند ۱۰ اصل یکصد و دهم قانون اساسی است. اهم سؤالاتی که در این نوشتار در پی پاسخ به آنها هستیم به این شرح است: مقصود از تخلف از وظایف قانونی چیست؟ آیا این بند طریقت دارد و یا موضوعیت و مفهوم از «عدم کفایت» چیست؟ برای وصول به هدف فوق و پاسخ به این سؤالات، ابتدا پیشینه بند مذکور در پیش نویس قانون اساسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در ادامه به

۱. اصل هشتاد و نهم: ...

۲- در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می رسد.

بررسی مشروح مذاکرات تصویب اصل می‌پردازیم. با توجه به اهمیت جایگاه رئیس جمهور در نظام‌های حقوقی مختلف، به صورت مختصر به بررسی مسئولیت رئیس جمهور در برخی از کشورها پرداخته می‌شود. سپس به بررسی موضوع رسیدگی دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی پرداخته و ابهامات موجود در این رابطه مطرح شده و پیشنهاداتی برای رفع این ابهامات ارائه شده است. در ادامه موضوع استیضاح رئیس جمهور و رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نیز از مباحث نتیجه‌گیری خواهد شد. بررسی موضوع با روشی تحلیلی انجام شده و اسناد و قوانین مربوطه نیز مورد استناد قرار خواهد گرفت.

## ۱. پیشینه

بر اساس قانون اساسی مشروطه با توجه به نوع نظام سلطنتی کشور، عالی‌ترین مقام اجرایی کشور شخص شاه بود. به موجب اصل چهل و چهارم متمم قانون اساسی مشروطه پادشاه از مسئولیت میرا بود و وزراء دولت در هرگونه امور در برابر مجلسین مسئولیت داشتند.<sup>(۱)</sup> به موجب اصل شصت و نهم این قانون دیوان‌خانه تمیز، صلاحیت رسیدگی به اتهامات وزراء را دارا بود.<sup>(۲)</sup>

بر این اساس در دوره مشروطه شاه فاقد هرگونه مسئولیت بود و در هیچ موضوعی امکان مواخذه وی وجود نداشت. وزراء دارای دو نوع مسئولیت جزایی و سیاسی بودند و نسبت به اعمال هیأت وزیران نیز دارای مسئولیت جمعی بودند.<sup>(۳)</sup> در

۱. اصل چهل و چهارم - شخص پادشاه از مسئولیت مبری است. وزراء دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند.

۲. اصل شصت و نهم - مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوان‌خانه تمیز عنوان خواهند نمود دیوان‌خانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دایره خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دایره ادارات دولتی مرجوعه به شخص وزیر خارج و راجع به خود وزیر باشد.

تنبیه - مادامی که محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین به‌عهده متساوی نایب مناب محکمه تمیز خواهد شد.

۳. اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی مشروطه: وزراء علاوه بر اینکه به‌تنهایی مسئول مشاغل منحصه وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند.

این دوره ریاست هیأت وزیران بر عهده نخست وزیر بود که وی نیز همان مسئولیت وزراء را در برابر مجلس داشت.<sup>(۱)</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیش نویسی برای قانون اساسی تهیه شد که به موجب این پیش نویس رئیس جمهور رئیس کشور و عالی ترین مقام قوه مجریه بود که بر همین اساس نیز در برابر مجلس مسئولیت سیاسی نداشت و صرفاً در برابر ملت مسئول بود.<sup>(۲)</sup> به موجب اصل (۱۰۲) پیش نویس قانون اساسی چنانچه رئیس جمهور به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور متهم می شد، مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کرده و اگر سه چهارم همه نمایندگان مجلس رأی به تعقیب او می دادند هیأت عمومی دیوان عالی کشور به اتهام وی رسیدگی و بر طبق قوانین عمومی، مجازات او را معین می کرد. بر اساس همین اصل پس از رأی مجلس به تعقیب، تا صدور رأی نهائی دیوان عالی کشور، رئیس جمهور از مقام خود معلق می شد و وظائف او را شورای موقت ریاست جمهوری انجام می داد.<sup>(۳)</sup>

در همین رابطه اصل (۱۱۲) پیش نویس مقرر می داشت: نخست وزیر و وزیران در صورتیکه متهم به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور گردند، اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی به تعقیب داد، تعقیب متهم در هیأت عمومی دیوان عالی کشور [صورت می گیرد] مجازات این جرائم تابع قوانین عمومی است.<sup>(۴)</sup>

با توجه به اینکه به موجب اصول فوق رسیدگی به اتهام خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیران در صلاحیت هیئت عمومی دیوان عالی کشور دانسته شده بود در اصل (۱۱۳) پیشنهادی مقرر شده بود که رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس

۱. قاسم زاده، قاسم، حقوق اساسی، چاپ اول، جنگل، ۱۳۹۰، صص ۴۲۸-۴۲۹.

۲. اصل ۸۸ پیش نویس - رئیس جمهور در حدود اختیارات خویش در برابر ملت مسئول است.

۳. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۶۴، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۱۷.

شورای ملی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تغییراتی در اصول فوق داده شد و متن بند «۵» اصل (۱۱۰) و اصل (۱۴۰) قانون اساسی<sup>(۱)</sup> به شکل موجود مورد تصویب قرار گرفت. بر اساس بند ۵ اصل ۱۱۰، دیوان عالی کشور صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در رابطه با تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی را پیدا کرد و بر اساس همین بند مجلس شورای اسلامی نیز برای رأی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور صالح شناخته شد.

در قانون اساسی پیش از بازننگری ترتیب خاصی برای نحوه بررسی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در نظر گرفته نشده بود و صرفاً به این صلاحیت مجلس در بند ۵ اصل ۱۱۰ اشاره شده بود. در هنگام مطرح شدن موضوع بررسی عدم کفایت اولین رئیس جمهور، قانونی در رابطه با نحوه بررسی موضوع در مجلس شورای اسلامی وجود نداشت و به همین دلیل نیز طرحی دو فوریتی با عنوان «آیین نامه چگونگی بررسی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور» به مجلس ارائه شد<sup>(۲)</sup> و مورد تصویب نمایندگان و تأیید شورای نگهبان قرار گرفت<sup>(۳)</sup> که جزئیات نحوه رسیدگی به موضوع عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور را مشخص می‌کرد. به موجب ماده (۱) این قانون تقاضای رأی به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور وقتی قابل طرح در مجلس بود که حداقل به امضای یک سوم نمایندگان رسیده باشد. ماده (۲) قانون فوق مقرر می‌داشت: تقاضای مزبور باید کتباتاً در جلسه علنی به رئیس مجلس داده شده و در اولین جلسه قرائت و از رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم برسد. بر اساس ماده (۳) این قانون وقت برای مذاکره طرفین هر کدام حداکثر (۵) پنج ساعت بود که باید متناوباً انجام می‌پذیرفت. به موجب تبصره (۱) این ماده مدت صحبت برای هر یک از موافقین یا مخالفین حداکثر نیم ساعت بود که با رأی مجلس تا یک ساعت قابل تمدید بود. تبصره (۲) ماده فوق مقرر می‌داشت:

۱. اصل یکصد و چهلم: رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه ۱۶۵، مورخه ۱۳۶۰/۰۳/۲۶، روزنامه رسمی شماره ۱۰۶۱۱.

۳. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان دوره اول، خرداد ۱۳۹۰، ص ۷.



«رئیس جمهور می تواند در جلسات شرکت نماید و (۵) پنج ساعت وقت به ایشان و نمایندگان موافق وی تعلق دارد و هر طور که بخواهند می توانند تقسیم نمایند.»

در نهایت به موجب ماده (۴) قانون مذکور رأی گیری در مورد عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور علنی و با ورقه بود و اعلام عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور توسط مجلس نیازمند رأی دو سوم نمایندگان حاضر در مجلس بود.

در صورت رأی دو سوم نمایندگان حاضر به عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور موضوع به مقام رهبری جهت اعمال بند ۵ اصل ۱۱۰ اعلام می شد.<sup>(۱)</sup> رأی مجلس به عدم کفایت رئیس جمهور در این دوره منجر به عزل رئیس جمهور توسط امام خمینی (ره) شد.<sup>(۲)</sup>

با بازنگری در قانون اساسی و حذف پست نخست وزیری قانونگذار اساسی علاوه بر اینکه وصف «سیاسی» را از عبارت «عدم کفایت سیاسی» حذف کرده و بند ۵ را به بند ۱۰ اصل ۱۱۰ تبدیل کرد، ترتیب رسیدگی به موضوع عدم کفایت رئیس جمهور را در اصل ۸۹ قانون اساسی مشخص نمود البته در رابطه با رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور از وظایف قانونی ترتیب خاصی را مشخص نکرد و لذا قانون اساسی پس از بازنگری، از این حیث شبیه قانون اساسی پیش از بازنگری است.

جایگاه رئیس جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران قابل تطبیق با جایگاه رئیس جمهور و نخست وزیر در برخی از کشورهاست. در رابطه با اینکه آیا اشخاص همپراز رئیس جمهور در سایر کشورها مسئولیت دارند و می توان آنها را به دلیل عملکردشان استیضاح و محاکمه و در نهایت برکنار کرد یا نه رویه واحدی وجود ندارد. در اغلب کشورها رؤسای جمهور (که غالباً رئیس کشور نیز هستند) در دوره تصدی این منصب از مسئولیت سیاسی مبرا شناخته شده و صرفاً در موضوع جرائم مهمی چون «خیانت» امکان تعقیب و محاکمه آنها وجود دارد. البته در قوانین اساسی برای تعقیب و محاکمه رئیس جمهور در اینگونه جرائم نیز ترتیبات خاصی در نظر گرفته شده است. در ادامه به بررسی مسئولیت رئیس جمهور در برخی از کشورها می پردازیم.

۱. اصل ۱۱۰ - ...

۵- عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او.

۲. مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹.

## ۲. مسئولیت رئیس جمهور در برخی از کشورها

در کشور ایالات متحده آمریکا هرگاه رئیس جمهور به خیانت به کشور، ارتشاء یا ارتکاب به سایر جرایم مهم متهم شود، کنگره می‌تواند وی را محاکمه کند و رئیس جمهور در صورت محکوم شدن از سمت خود عزل می‌شود. (بند ۴ ماده ۲ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا) برای این منظور، ابتدا مجلس نمایندگان در صورت مطرح شدن اتهام با تشکیل کمیسیونی به بررسی موضوع می‌پردازد و در صورتی که اعضای مجلس نمایندگان به نتیجه گزارش مبنی بر ورود اتهام به رئیس جمهور رأی دهند، موضوع به سنا ارجاع داده می‌شود و سنا وظیفه محاکمه رئیس جمهور را بر عهده خواهد داشت. در هنگام محاکمه رئیس جمهور رئیس دیوان عالی کشور ریاست جلسات را برعهده خواهد داشت. اگر دو سوم نمایندگان سنا رأی به محکومیت وی دهند، رئیس جمهور از سمت خود برکنار می‌شود. پس از عزل رئیس جمهور از مقام خود، وی در دادگاههای عادی قابل تعقیب است.<sup>(۱)</sup> در عمل در دوره‌های ریاست جمهوری جانسون، نیکسون و کلینتون این اختیار مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۷۴ رسیدگی به اتهام نیکسون به سنا ارجاع شد اما پیش از اتمام رسیدگی وی از این سمت استعفاء داد. در دو مورد رئیس جمهور از اتهامات وارده تبرئه شدند.<sup>(۲)</sup>

در کشور فرانسه رئیس جمهور در رابطه با اقداماتی که در راستای انجام وظایف مرتکب می‌شود قابل تعقیب نیست و این عدم مسئولیت حتی پس از دوره ریاست جمهوری نیز ادامه دارد.<sup>(۳)</sup>

به موجب ماده (۶۷) قانون اساسی فرانسه رئیس جمهور این کشور در قبال اعمال

۱. بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۶، ۲۶۰، قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۳، ص ۴۶۸.

۲. واعظی، مجتبی، دادگستری اساسی (مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی فرانسه و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران)، جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰، صص ۱۲۴-۱۲۵، اردان، فلیپ، ترجمه: رشید انصاریان، نهادهای سیاسی و حقوق اساسی، چاپ اول ۱۳۸۹، دانشگاه شهید چمران اهواز، ص ۵۵۳ و

Vile, John R, A Companion to the United States Constitution and Its Amendments, Praeger, 2010, Fifth Edition, p30, Genovese, Michael A, Encyclopedia of the American Presidency, 2010, Facts On File, Revised Edition, p 251.

۳. تروتابا، لوثی و ایزوآر پل، حقوق عمومی (جلد اول-حقوق اساسی فرانسه)، ترجمه: محسن شیخ الاسلامی، چاپ اول، کوشامهر، ۱۳۸۰، ص ۷۳.

انجام شده در این سمت مشروط بر اجرای مفاد ماده ۲-۵۳ و ۶۸ قابل تعقیب نیست. به موجب همین ماده نمی‌توان از رئیس جمهور در طول دوران ریاست جمهوری در پیشگاه هیچ دادگاه یا مقام اداری فرانسه تقاضای شهادت نمود و یا علیه وی اقامه دعوا کرد و از وی بازپرسی نمود یا وی را مورد پیگرد قرار داد. البته دعاوی علیه وی مشمول مرور زمان نمی‌شود و اقامه دعوا و محاکماتی را که متوقف و معلق شده‌اند می‌توان یک ماه پس از اتمام ماموریت وی به جریان انداخت.

به موجب ماده (۶۸) قانون اساسی این کشور رئیس جمهور در صورت قصور از وظایف خود که به وضوح با انجام مسئولیت‌های ریاست جمهوری مغایر باشد از مقام خود عزل می‌شود. مرجع رسیدگی به این موضوع دیوان عالی است که می‌تواند حکم عزل رئیس جمهور را صادر نماید.

پیشنهاد تشکیل دیوان عالی مصوب یکی از مجالس ملی و سنا سریعاً به مجلس دیگر ابلاغ می‌شود و مجلس دوم ظرف پانزده روز نظر خود را اعلام می‌کند. ریاست دیوان عالی را رئیس مجلس ملی بر عهده دارد. دیوان عالی ظرف یک ماه و به صورت محرمانه در خصوص عزل اعلام نظر می‌کند. حکم دیوان عالی بلافاصله نافذ است. تصمیمات متخذه در راستای اجرای اصل حاضر با اکثریت دو سوم اعضای تشکیل دهنده مجلس مربوطه یا دیوان عالی اتخاذ می‌گردد.

با توجه به اصول فوق در این نظام رئیس جمهور از یک مصونیت دائمی در قبال انجام وظایفش برخوردار بوده و توسط هیچ مرجع قضایی قابل تعقیب نیست.<sup>(۱)</sup> به موجب ماده (۶۱) قانون بنیادین آلمان، مجلس نمایندگان و شورای ایالات می‌توانند رئیس جمهور را به نقض قانون اساسی یا قوانین فدرال متهم ساخته و موضوع را برای محاکمه رئیس جمهور به دادگاه قانون اساسی اعلام نمایند. دادگاه قانون اساسی می‌تواند قبل از محاکمه رئیس جمهور را از مقام خود معلق نماید و همچنین می‌تواند حکم به عزل رئیس جمهور دهد.<sup>(۲)</sup>

۱. ویژه، محمدرضا، مسئولیت کیفری رئیس جمهور در فرانسه، نشریه حقوق اساسی، شماره اول، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱.

۲. فاورو، لویی، دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه: علی اکبر گرجی از ندریانی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹، بوشهری، جعفر، همان، ص ۲۳۵.

بررسی قوانین اساسی کشورهای فوق بیانگر عدم مسئولیت سیاسی و مصونیت رؤسای جمهور در قبال جرائمی است که مرتکب می‌شوند (حداقل دارای مصونیت در دوره ریاست جمهوری هستند). این مصونیت رسیدگی به جرائم مهمی چون خیانت سیاسی و جرایم علیه امنیت کشور را شامل نمی‌شود. رسیدگی به این اتهامات رئیس جمهور ابتدا در پارلمان صورت می‌گیرد و سپس به محاکم خاص (مانند دادگاه قانون اساسی در آلمان و یا دیوان عالی عدالت در فرانسه) سپرده می‌شود. البته در آمریکا پس از رسیدگی به اتهامات رئیس جمهور در مجلس سنا اگر این مجلس اتهامات را وارد تشخیص دهد رئیس جمهور را عزل می‌نماید.

نتیجه اینکه، رؤسای جمهور غالباً دارای مصونیت سیاسی هستند و در مواردی که امکان محاکمه و مجازات آنها وجود دارد، ترتیب خاصی برای این امر در نظر گرفته شده است که متفاوت با رسیدگی‌های عادی است. در نظام جمهوری اسلامی ایران، مصونیت و عدم مسئولیت سیاسی رئیس جمهور مورد پذیرش قرار نگرفته و صرفاً در قانون اساسی ترتیب خاصی برای تعقیب و محاکمه وی مشخص شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳. تحلیل موضوع

بر اساس اصول ۵ و ۵۷ قانون اساسی<sup>(۱)</sup> ولایت امر و امامت امت در دوره غیبت امام عصر (عج) بر عهده ولی فقیه است و قوای سه گانه زیر نظر ایشان به انجام وظایف خود می‌پردازند. بر همین اساس نیز در اصول قانون اساسی ابزارهای مختلفی برای اعمال ولایت توسط رهبری در قوای سه گانه در نظر گرفته شده است.

هنگامی که ولی فقیه متصدی منصب رهبری شد تمامی امور کشور باید تحت نظارت وی اشراف وی صورت پذیرد چرا که در غیر این صورت هرگونه تصرف در

۱. اصل پنجم: در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

امور عمومی برای اشخاصی که نه خود فقیه جامع شرایط مقبول مردم هستند و نه از سوی چنین فقیهی مأذون می‌باشند تصرف نامشروع خواهد بود.<sup>(۱)</sup> در نتیجه انتخاب عمومی نیاز به تنفیذ ولی فقیه دارد و این امر نیز صرفاً در هنگام تصدی منصب نیست بلکه استمرار تصدی امور عمومی نیز نیازمند این تنفیذ است.<sup>(۲)</sup>

بر این اساس اعمال قوه مجریه توسط رئیس جمهور پس از رأی مردم به وی نیازمند اذن ولی فقیه است قانونگذار اساسی به موجب بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به امضاء حکم رئیس جمهور توسط مقام رهبری تصریح نموده است. بر همین اساس با توجه به اینکه حکم رئیس جمهور توسط مقام رهبری تنفیذ می‌شود صلاحیت عزل رئیس جمهور نیز در زمره صلاحیت‌های مقام رهبری بیان شده است.

یکی دیگر از دلایل عدم تفویض تعیین تکلیف نهایی در رابطه با عزل رئیس جمهور به مجلس شورای اسلامی و دیوان عالی کشور این است که ممکن است مجلس یا دیوان عالی با اهداف سیاسی و به دلیل تفاوت جهت فکری با رئیس جمهور وی را استیضاح کرده و رأی به عدم کفایت وی یا حکم به تخلف وی از وظایف قانونی داده باشند و به همین دلیل است که رئیس جمهور صرفاً با رأی عدم کفایت مجلس شورای اسلامی و یا حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی عزل نمی‌شود و این مقام رهبری است که بر اساس تفوقی که بر قوای سه‌گانه و اوضاع کشور دارد در صورتی که عزل رئیس جمهور را با مصالح کشور و نظام مغایر نبیند، اقدام به عزل وی می‌نماید. ممکن است شرایطی در کشور وجود داشته باشد که عزل رئیس جمهور به مصلحت نظام نباشد که در اینصورت علی‌رغم اینکه مجلس شورای اسلامی رأی به عدم کفایت رئیس جمهور داده و یا اینکه دیوان عالی کشور حکم به تخلف وی از وظایف قانونی داده است مقام رهبری رئیس جمهور را از مقام خود عزل نمی‌نماید.<sup>(۳)</sup>

۱. ارسطا، محمدجواد، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، بوستان کتاب، ۱۳۸۹، ص ۸۷

۲. غمامی، سید محمد مهدی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۱.

۳. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۳، ص ۷۸.

در اینجا باید به این نکته نیز اشاره کرد که دو طریق مذکور در بند ۱۰ اصل یکصد و دهم قانون اساسی موضوعیت دارد و مقام رهبری صرفاً در صورتی می‌تواند اقدام به عزل رئیس جمهور نماید که یا مجلس شورای اسلامی رأی به عدم کفایت وی داده باشد و یا اینکه دیوان عالی کشور حکم به تخلف وی از وظایف قانونی داده باشد.<sup>(۱)</sup> بر این اساس مقام رهبری نمی‌تواند مستقلاً اقدام به عزل رئیس جمهور نماید. در هنگام بررسی بند (۱۰) اصل یکصد و دهم قانون اساسی در شورای بازنگری قانون اساسی، پیشنهادی مطرح شد مبنی بر اینکه طریق دیگری نیز برای عزل رئیس جمهور از منصب خود در نظر گرفته شود که این پیشنهاد به تصویب نرسید. در هنگام بررسی پیشنهاد، مطرح شد که ممکن است به دلایلی امکان رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور در دیوان عالی کشور و یا استیضاح وی در مجلس شورای اسلامی نباشد، به همین دلیل باید راهکاری علاوه بر دو مورد فوق برای امکان عزل رئیس جمهور توسط مقام رهبری در نظر گرفته شود. لذا برای رعایت احتیاط پیشنهاد شد که این امر پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گیرد. ولی شورای مذکور با این پیشنهاد موافقت نکرد.<sup>(۲)</sup>

### ۳-۱. رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی توسط دیوان عالی کشور

بیان شد که به موجب اصل (۱۰۲) پیش نویس قانون اساسی، رئیس جمهور صرفاً در صورتی قابل عزل بود که سه چهارم نمایندگان مجلس با ارجاع موضوع اتهام وی به دیوان عالی کشور موافقت می‌کردند و این دیوان حکم به عزل وی می‌داد. البته این اختیار صرفاً در رابطه با اتهام خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور قابل اعمال بود.

این متن در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به عنوان یکی از اختیارات مقام رهبری به این شکل تغییر پیدا کرد که: «اتخاذ تصمیم درباره عزل رئیس جمهور به ترتیب زیر: «هرگاه رئیس جمهور به خیانت و تخلف از وظایف قانونی خود متهم شود و یا در مظان ضعف و ناتوانی در ایفای وظایف خود قرار گیرد، موضوع برای

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ص ۳۳۹.  
 ۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۶۵۱.

رسیدگی به مجلس شورای ملی ارجاع می‌شود. مجلس به موضوع رسیدگی می‌کند و در صورتیکه اکثریت رأی داد، پرونده را برای محاکمه به شوراییعالی قضائی می‌فرستد. در صورت رأی شوراییعالی قضایی به ثبوت اتهام، رهبری با در نظر گرفتن مصالح کشور تصمیم لازم را اتخاذ و اجرا می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی با این استدلال که در نظر گرفتن شیوه و روندی خاص برای رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور و دادن حق مداخله به مجلس شورای اسلامی در محاکمه وی علاوه بر اینکه مغایر موازین قضاوت در شرع است فاقد توجیه حقوقی است با این متن مخالفت کردند<sup>(۲)</sup> و در نتیجه مباحثی که صورت گرفت متن به شکل فعلی مورد تصویب قرار گرفت.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال ۶۲ در ضمن «طرح تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور» در قالب فصل سوم و با عنوان «رسیدگی به تخلفات ناشی از مسئولیت‌های رئیس جمهور» طی ۸ ماده (مواد ۴۸-۵۶) اقدام به تعیین روند و شیوه رسیدگی دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی نمودند. البته این مواد توسط کمیسیون حذف شده<sup>(۳)</sup> و صرفاً یک ماده در این رابطه مورد تصویب نهایی قرار گرفت که ماده (۱۹) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران است. به موجب این ماده «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرایم عادی از طریق دادگاههای عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد.»

تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد.»

بر اساس ماده (۴۹) طرح اولیه پیشنهادی دو طریق برای به جریان افتادن رسیدگی

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۶۴، ص ۱۱۴۰.

۲. همان، صص ۱۱۴۰-۱۱۵۳.

۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، جلسه دویست و شصت و هفتم، تاریخ ۱۳۶۵/۰۲/۱۴، روزنامه رسمی شماره ۱۲۰۱۹، ص ۳۲.

به موضوع تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی در نظر گرفته شده بود. ۱. شکایات رسیده به کمیسیون اصل نود قانون اساسی، ۲. شکایات رسیده به دیوان عالی کشور.

به موجب ماده (۵۰) این طرح، شکایات رسیده به مراجع فوق پس از بررسی‌های مقدماتی در صورتی که در ارتباط با وظایف قانونی رئیس جمهور می‌بود ظرف ده روز پس از ثبت در دفتر مخصوص به مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌شد. رئیس مجلس مکلف بود موضوع را برای تحقیق به کمیسیون سؤالات ارجاع دهد.

بر اساس ماده (۵۱) طرح، کمیسیون یک ماه فرصت داشت تحقیقات لازم را انجام دهد و آن را به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ارجاع دهد و کمیسیون مذکور مکلف بود با مراجعه به اسناد و مدارک و مذاکره یا مکاتبه با نماینده رئیس جمهور، گزارش لازم را به رئیس مجلس تقدیم نماید.

ماده (۵۲) طرح مقرر می‌داشت رئیس مجلس باید حداکثر ظرف سه روز موضوع را در مجلس مطرح نماید و در صورت نظر کمیسیون بر عدم تعقیب، پرونده را بایگانی نماید. بر اساس این ماده در صورتی که رأی کمیسیون دائر بر تعقیب رئیس جمهور بود موضوع مورد بحث قرار می‌گرفت و در صورتی که دو سوم نمایندگان نظر کمیسیون را تایید می‌کردند موضوع از طریق وزیر دادگستری برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارجاع می‌شد و در صورتی که مجلس نظر کمیسیون را تایید نمی‌کرد پرونده بایگانی می‌شد.

بر اساس ماده (۵۳) طرح، هیأت عمومی دیوان عالی کشور پس از وصول پرونده با حضور هیأت منصفه و با دعوت رئیس دیوان عالی کشور تشکیل جلسه می‌داد. هیأت عمومی پس از رسیدگی و اتمام محاکمه رأی خود را دائر بر وقوع تخلف و یا تبرئه رئیس جمهور اعلام می‌کرد.

ماده (۵۴) طرح، حق دفاع و حضور در جلسات هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رابطه با بررسی اتهام وارده را برای رئیس جمهور و یا نماینده وی به رسمیت شناخته بود. به موجب ماده (۵۵) طرح، حکم صادره جهت اتخاذ تصمیم مقتضی به اطلاع مقام رهبری می‌رسید. ماده (۵۶) نیز محاکمه رئیس جمهور در هیأت عمومی دیوان عالی کشور را تا پیش از اتخاذ تصمیم مقام رهبری محرمانه دانسته و افشای آن را جرم‌انگاری کرده بود.



در هر صورت در حال حاضر تنها قانون مربوط به نحوه اعمال اختیار دیوان عالی کشور در رابطه با بند «۱۰» اصل (۱۱۰) قانون اساسی همان ماده (۱۹) قانون فوق و تبصره آن است و نحوه رسیدگی به این تخلف مشخص نشده است. اجرایی شدن این اصل قانون اساسی نیازمند تصویب قانون مربوطه توسط مجلس شورای اسلامی است که این قانون باید موضوعاتی از جمله مفهوم تخلف از وظایف قانونی، مراجع صالح برای اعلام تخلف، تحقیق و رسیدگی و آیین رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی را مشخص نماید.<sup>(۱)</sup>

در رابطه با اختیار دیوان عالی کشور در محاکمه رئیس جمهور به دلیل تخلف از وظایف قانونی موضوع بند «۱۰» اصل یکم و دهم قانون اساسی نکاتی قابل توجه است که باید مورد بررسی قرار گیرد:

**سؤال اول:** یکی از نکات مهمی که در رابطه با این بند از اصل (۱۱۰) مطرح است

این است که مقصود از «تخلف از وظایف قانونی» چیست؟

عبارت «تخلف از وظایف قانونی» ابتدا در پیش نویس قانون اساسی به صورت «خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور» بود که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی توسط گروه مربوطه به عبارت «خیانت و تخلف از وظایف قانونی» تبدیل شد. عبارت مذکور با این استدلال که «خیانت» و «تخلف از وظایف قانونی» دارای یک معنا بوده و باید یکی از آنها حذف شود به عبارت فعلی یعنی «تخلف از وظایف قانونی» که دایره بسیار وسیع و عامی است، تبدیل شد.<sup>(۲)</sup> البته برخی از نمایندگان با این بیان

۱. «شهید بهشتی: تفاسیل این مطالب را قوانین عادی معین می‌کند. چون آنچه در اینجا دخالت دارد کسی شکایت می‌کند نیست. آنچه در اینجا دخالت دارد این است که چه چیزی زمینه تصمیم به عزل را فراهم می‌کند، که حکم دیوان عالی کشور است. در آنجا به تفصیل در قانون مربوط گفته می‌شود که چه کسانی می‌توانند شکایت کنند و چگونه شکایت کنند و چگونه جلسه‌ای در این مورد به خصوص تشکیل بشود. این حرف‌ها را در قانون خودش خواهیم گفت»، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۶۴، ص ۱۱۹۱.

۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، صص ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴.

که با توجه به اینکه عبارت «تخلف از وظایف قانونی» عبارت صریحی نیست معتقد بودند که باید از اصطلاح «خیانت» در این بند استفاده نمود<sup>(۱)</sup> یا اینکه موضوع در همین اصل تبیین شده و مفهوم تخلف از وظایف قانونی مشخص شود.<sup>(۲)</sup> که این امر مورد بررسی قرار نگرفت.

این نکته نیز قابل ذکر است که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی اصلی برای تعیین مرجع صالح جهت رسیدگی به جرم «خیانت سیاسی» رئیس جمهور مطرح شده بود که مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت.<sup>(۳)</sup>

برای تبیین مفهوم عبارت «تخلف از وظایف قانونی» لازم است به این نکته توجه داشته باشیم که همانگونه که بیان شد در پیش نویس دو موضوع در قانون اساسی در رابطه با مسئولیت رئیس جمهور وجود داشت: ۱. مسئولیت وی و امکان عزل او به دلیل ثبوت اتهام «خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور» و ۲. محکومیت وی به دلیل جرایم عادی. با توجه به متن پیش نویس که روند تغییر آن نیز توضیح داده شد «تخلف از وظایف قانونی» در مقابل «جرایم عادی» قرار داده شد به این معنا که قانونگذار اساسی هر چند که رئیس جمهور را فاقد مصونیت جزایی دانسته و وی را به دلیل ارتکاب جرم قابل تعقیب و مجازات می‌داند، اما آنچه که از مشروح مذاکرات قانون اساسی برمی‌آید این است که تدوین کنندگان قانون اساسی ارتکاب تخلفات قانونی (خواه جرم بوده و دارای ضمانت اجرای کیفری باشد یا صرفاً تخلف از قانون اساسی یا عادی بوده و ضمانت اجرای کیفری نداشته باشد) را دخیل در ایجاد زمینه عزل رئیس جمهور توسط مقام رهبری دانسته و رسیدگی به این موضوع را در صلاحیت دیوان عالی کشور دانسته‌اند.<sup>(۴)</sup>

۱. همان، ص ۱۱۹۶.

۲. همان، ص ۱۱۹۸.

۳. اصل ۱۱۵- هر گاه رئیس جمهور، نخست وزیر یا وزیران به خیانت سیاسی متهم شوند دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم سیاسی به اتهام آنها رسیدگی می‌کند و چنانچه اتهام در زمان تصدی آنها باشد پرونده برای مجلس شورای ملی نیز فرستاده می‌شود تا درباره سؤال، استیضاح یا تعلیق متهم تصمیم مقتضی اتخاذ شود. همان، ص ۱۳۵۳-۱۳۵۸.

۴. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، صص ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴.

اگر چه عبارت «تخلف از وظایف قانونی» عبارتی عام است، با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد این است که مقصود قانونگذار اساسی این نبوده است که هر تخلف رئیس جمهور موجب بررسی موضوع در دیوان عالی کشور شود بلکه مقصود تخلفاتی بوده است که شایستگی رئیس جمهور را برای استمرار تصدی ریاست جمهوری نفی می‌کند.<sup>(۱)</sup> در همین راستا گفته شده مقصود از تخلف از وظایف قانونی در این بند تخلف از وظایفی است که اجرای قانون اساسی را مختل می‌سازد.<sup>(۲)</sup> در واقع دیوان عالی کشور صرفاً این مطلب را که تخلف صورت گرفته یا خیر بررسی می‌کند و عزل رئیس جمهور بر اساس متن اصل ۱۱۰ به عهده رهبری است.

رئیس جمهور در صورت ارتکاب جرم قابل تعقیب و مجازات است که به استناد اصل (۱۴۰) قانون اساسی رسیدگی به این جرائم با اطلاع مجلس شورای اسلامی و در دادگاههای عمومی دادگستری صورت می‌گیرد.

قانونگذار عادی رسیدگی به این جرایم را در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران قرار داده که در مورد این جرائم دادرسی حق ورود ندارد و دادگاه مستقیماً به موضوع رسیدگی کرده و اقدام به صدور حکم می‌نماید.<sup>(۳)</sup>

ماده (۱۹) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اتهامات مربوط به تخلفات در رابطه با وظایف و اختیارات رئیس جمهور در صلاحیت دیوان عالی کشور است و در جرایم عادی از طریق دادگاههای عمومی دادگستری تهران و با اطلاع مجلس صورت می‌گیرد.»

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۱۱۹۸.

۲. وفادار، علی، حقوق اساسی و تحولات سیاسی، شروین، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۴۷۷.

۳. ماده (۳۰۷) «قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»: «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.»

به موجب تبصره این ماده: «در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد.»

به موجب ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵<sup>(۱)</sup> هر گونه تخلف از وظایف قانونی جرم انگاری شده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است، ولی این امر ارتباطی به صلاحیت دیوان عالی کشور در رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی نداشته و ممکن است که رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از یکی از وظایف قانونی و یا ارتکاب یک جرم علیه امنیت کشور توسط وی در دادگاه‌های کیفری تهران مورد رسیدگی و صدور حکم قرار بگیرد ولی دیوان عالی کشور حکم به تخلف وی از وظایف قانونی با توجه به مفهومی که از این عبارت ذکر شد ندهد. بنابراین رسیدگی و صدور حکم دیوان عالی کشور به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی ملازمه‌ای با ثبوت ارتکاب جرم توسط وی ندارد.<sup>(۲)</sup> البته ممکن است برخی از جرایم باشند که مشمول عنوان تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی قرار بگیرند ولی مرجع تشخیص این امر دادگاه رسیدگی کننده به جرم مذکور نیست بلکه دیوان عالی کشور است.

**سؤال دوم:** در رابطه با صلاحیت دیوان عالی کشور این نکته مطرح می‌شود که آیا دیوان عالی کشور به استناد این اصل می‌تواند اقدام به صدور حکم مجازات برای رئیس جمهور نیز بنماید یا خیر؟

بند «۱۰» اصل (۱۱۰) صرفاً صلاحیت صدور حکم به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی را به دیوان عالی کشور داده است و دیوان بر اساس این اصل صرفاً اعلام می‌نماید که آیا از نظر این نهاد عالی قضایی رئیس جمهور مرتکب تخلف از وظایف قانونی شده است یا خیر.<sup>(۳)</sup> همانگونه که بیان شد رسیدگی به موضوع از جنبه

۱. ماده ۵۷۶ - چنانچه هریک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی و شهرداریها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

۲. الهام، غلامحسین، محاکمه رئیس جمهور در سنجه قانون، قابل دسترسی در:

<http://b2n.ir/elham.ir>

۳. سبحانی: «دیوان عالی کشور موضوع را احراز می‌کند و می‌گوید «هذا متخلف» بعد یک نفر لازم است

جزایی در صلاحیت دادگاه است که قانونگذار می‌تواند این امر را نیز برعهده دیوان عالی کشور بگذارد. اگر چه ممکن است برخی بر این عقیده باشند که با توجه به اینکه اصل (۱۴۰) رسیدگی به جرائم رئیس جمهور را به دادگاههای عمومی دادگستری تفویض نموده است نمی‌توان صلاحیت رسیدگی به جرائم رئیس جمهور را در صلاحیت دیوان عالی کشور قرار داد. این نظر قابل قبول نیست، چرا که با توجه به اینکه دیوان عالی کشور عالی ترین مرجع قضایی و دادگاه است قانونگذار عادی می‌تواند رسیدگی ابتدایی به جرائم برخی اشخاص را در صلاحیت این نهاد قرار دهد و این امر مغایرتی با اصل (۱۴۰) قانون اساسی ندارد.<sup>(۱)</sup>

**سؤال سوم:** همچنین در رابطه با این اصل این نکته مطرح است که آیا مقصود از «دیوان عالی کشور» در بند «۱۰» اصل (۱۱۰) «رئیس دیوان عالی کشور» یا «هیأت عمومی دیوان عالی کشور» است یا اینکه شعب این دیوان صلاحیت رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی را دارند؟ آنچه از پیشینه امر<sup>(۲)</sup> و همچنین مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون

→

که حکم را با موضوع منطبق کند و آن کس رهبر است»- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۱۱۹۸.

۱. اصل یکصد و شصت و یکم: دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۲. اصل ۱۰۲ پیش نویس قانون اساسی - «چنانچه رئیس جمهور به خیانت یا توطئه علیه امنیت کشور متهم شود، مجلس شورای ملی باید به اتهام او رسیدگی کند و اگر سه چهارم همه نمایندگان مجلس رأی به تعقیب او دادند هیأت عمومی دیوان عالی کشور به اتهام رسیدگی و بر طبق قوانین عمومی، مجازات او را معین می‌کند. پس از رأی مجلس به تعقیب، تا صدور رأی نهایی دیوان عالی کشور رئیس جمهور از مقام خود معلق است و وظائف او را شورای موقت ریاست جمهور انجام می‌دهد.»

«اصل ۱۱۵ - نخست وزیر و وزیران در صورتیکه متهم به خیانت سیاسی یا توطئه بر ضد امنیت کشور گردند، اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رأی به تعقیب داد، هیأت عمومی دیوان عالی کشور رسیدگی به عمل می‌آورد.» اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۱۳۱۶.

اساسی<sup>(۱)</sup> به نظر می‌آید این است که مقصود از بند ۱۰ اصل ۱۱۰ تعیین دیوان عالی کشور به عنوان مرجع رسیدگی به این امر است و قانونگذار اساسی وارد بیان جزئیات موضوع نشده است. البته در اصل پیش نویس هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح شده که در متن فعلی نیامده است. بر همین اساس تا هنگامی که قانونی در این رابطه تصویب نشده است نمی‌توان نظر صریحی را بیان کرد. پیشینه موضوع در دوره مشروطه و در رابطه با رسیدگی به تقصیرات وزیران در هیأت عمومی دیوان عالی کشور تقویت کننده صلاحیت هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این رابطه است.<sup>(۲)</sup> به موجب قانون<sup>(۳)</sup> محاکمه وزراء و هیئت منصفه مصوب ۱۳۰۷، رسیدگی به جرایم وزراء در صلاحیت هیأت عمومی دیوان تمیز (عالی کشور) بود.

**سؤال چهارم:** موضوع دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد این است که کدام مرجع صلاحیت طرح دعوی تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی را در دیوان عالی کشور داراست؟

قانونگذار اساسی در بند «۱۰» اصل «۱۱۰» صرفاً «مرجع رسیدگی» به تخلفات رئیس جمهور از وظایف قانونی را معین کرده است و با توجه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تعیین مراجع صالح برای اعلام تخلف را به قانونگذار عادی محول نموده است.<sup>(۴)</sup> می‌توان در قانون عادی، مراجعی چون کمیسیون اصل نود مجلس

۱. بنی صدر- حالا اینکه دیوان کشور باشد یا شورایعالی قضائی، شورایعالی قضائی چکاره است؟ یک مقام اداره کننده دستگاه قضائی است این باید ناچار برود به دیوان کشور و دادگاه صالحه وقتی می‌گویند دیوان کشور باز در این مورد هم امتیازی نیست، چون مسأله ایجاد کردن رویه هم شأن با مجلس است مثل دیوان کشور و این هم مسأله ایست که مربوط به عزل ریاست جمهوری است قانون می‌گوید که این در صلاحیت آن دادگاه است این که عیبی ندارد. همان، ص ۱۱۵۱.

۲. الهام، غلامحسین، محاکمه رئیس جمهور در سنجه قانون، قابل دسترسی در:

<http://b2n.ir/elham.ir>

۳. ماده هشتم: مدعی العموم دیوانعالی تمیز پس از وصول دوسیه قضیه را تعقیب خواهد نمود. دیوان تمیز در جلسه عمومی با حضور تمام مستشاران خود بر طبق موازینی که برای رسیدگی بامور جزائی مقرر است رسیدگی کرده حکم مقتضی را صادر می‌کند.

۴. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۱۱۹۹.

شورای اسلامی، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری را به عنوان مراجع نظارتی مرجع اعلام تخلف رئیس جمهور تعیین کرد.

**سؤال پنجم:** موضوع دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد این است که آیا بررسی موضوع در دیوان عالی کشور نیازمند صدور کیفرخواست توسط دادسرای دیوان عالی کشور است یا اینکه دیوان راساً به موضوع رسیدگی می‌نماید؟

با توجه به تبصره ماده (۱۹) «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران» رسیدگی در دیوان عالی کشور منوط به صدور کیفرخواست نیست و مستقیماً در دیوان صورت می‌پذیرد. به موجب تبصره این ماده: «در هر کدام از اتهامات نامبرده رسیدگی مستقیماً به وسیله دادگاه انجام گرفته و دادسرا حق دخالت ندارد».

البته به نظر می‌رسد که باید انجام تحقیق در رابطه با این موضوع را دادستان کل کشور محول کرد و رسیدگی به موضوع بدون انجام تحقیق و کسب اطلاعات ضروری مقدور نیست.

**سؤال ششم:** موضوع دیگری که در این رابطه مطرح می‌گردد این است که آیا اعمال اختیار موضوع بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیازمند قانون عادی است یا خیر؟

در پاسخ به این سؤال باید این نکته را مورد توجه قرار داد که بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی صرفاً در مقام بیان مرجع رسیدگی به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی است و تفصیل جزئیات مربوطه رسیدگی به این موضوع در قانون اساسی مشخص نشده است مانند مواردی از قبیل روند رسیدگی به موضوع در دیوان عالی کشور و مرجع رسیدگی به موضوع (هیئت عمومی و یا شعب دیوان)، حق دفاع رئیس جمهور و یا حد نصاب مورد نیاز برای صدور حکم به تخلف...

برخی حقوقدانان بر این اعتقادند که تخلف موضوع این بند جرم سیاسی است و باید با حضور هیأت منصفه و در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار گیرد.<sup>(۱)</sup>

در هر حال همانگونه که گفته شد به نظر می‌رسد اجرای این بخش از بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیازمند تصویب قانون توسط مجلس شورای اسلامی است.

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱.

### ۲-۴. رسیدگی به موضوع عدم کفایت رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی

به موجب اصل ۱۲۲ قانون اساسی رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسؤول است. همچنین اصل ۱۳۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد رئیس جمهور در برابر مجلس مسؤول اقدامات هیات وزیران است. قانونگذار اساسی به موجب بند ۱۰ اصل ۱۱۰ یکی از مقدمات عزل رئیس جمهور را رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل ۸۹ قانون اساسی تعیین نموده است. بر این اساس ضمانت اجرای مسؤول بودن رئیس جمهور در برابر مجلس حق مجلس به استیضاح وی و رأی عدم کفایت این نهاد به رئیس جمهور است که ضمانت اجرایی قوی بوده و می‌تواند موجبات عزل رئیس جمهور را در صورت صلاحدید مقام رهبری فراهم نماید.

کفایت در لغت به معنای تدبیر و کاردانی، شایستگی در اداره امور،<sup>(۱)</sup> راندن کارها با لیاقت و شایستگی، اداره امور به وجهی نیک آمده است و کفایت داشتن نیز بر همین اساس به معنای شایستگی داشتن است.<sup>(۲)</sup> معنای کفایت در بند ۱۰ اصل یکصد و دهم نیز با توجه به همین معنای لغوی قابل تبیین است. بر این اساس رئیس جمهور باید شایستگی تصدی سمت ریاست جمهوری یعنی همان شرایط مورد نیاز برای تصدی این سمت را داشته باشد.

پیش از بازنگری در قانون اساسی عبارت بند ۱۰ اصل ۱۱۰ «عدم کفایت سیاسی» بود. در رابطه با اینکه معنای این عبارت چیست گفته شده است وقتی رئیس جمهور بتواند با درایت و توجه به تمام ابعاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی موجبات اجرای قانون اساسی را فراهم سازد و بتواند روابط قوای سه گانه را تنظیم نماید یا آنها را در یک حالت تعادل نگاه‌دارد دارای کفایت سیاسی است.<sup>(۳)</sup> برخی نیز وجود یا عدم وجود کفایت سیاسی را به وجود و تداوم صفات مقرر در اصل ۱۱۵ قانون اساسی

۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ششم، (تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲)، ص ۵۰۴۹.

۲. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، (زیر نظر سید جعفر شهیدی)، جلد دوم، (تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، چاپ اول، ۱۳۸۵)، ص ۲۲۹۲.

۳. وفادار، علی، حقوق اساسی و تحولات سیاسی، شروین، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۴۷۷.



برای رئیس جمهور و تداوم آنها معنا کرده‌اند.<sup>(۱)</sup>

البته بعد از بازنگری و تنزل شأن فرا قوه‌ای وی، مسئولیت رئیس جمهور توسعه یافته و تبدیل به «عدم کفایت» شد که این امر موجب توسعه مسئولیت رئیس جمهور شده و مجلس می‌تواند بر اساس این اصل به دلیل عدم کفایت رئیس جمهور (اعم از عدم کفایت در اداره امور اجرایی و یا عدم کفایت سیاسی)، رأی به عدم کفایت وی دهد و موضوع را در راستای اعمال بند ۱۰ اصل ۱۱۰ به مقام رهبری اعلام نماید.<sup>(۲)</sup>

البته به نظر می‌رسد بهتر بود که به جای عبارت «عدم کفایت» که مفهومی کشدار و قابل تفسیر است از عبارت «از دست دادن شرایط قانونی» استفاده می‌شد که عبارتی شفاف‌تر است.

بند ۲ اصل ۸۹ قانون اساسی روند رسیدگی به این موضوع را در مجلس شورای اسلامی بیان کرده و قانون آیین نامه داخلی مجلس نیز به تفصیل روند رسیدگی به این موضوع را مشخص کرده است.

به موجب بند ۲ اصل ۸۹ در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرائی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

بند دوم از مبحث چهارم فصل سوم قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در رابطه با نحوه بررسی موضوع استیضاح و عدم کفایت رئیس جمهور است.

به موجب ماده ۲۳۱ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نمایندگان مجلس می‌توانند رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره

۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، جلسه یکصد و شصت و هشتم، تاریخ

۱۳۶۰/۰۳/۳۱، روزنامه رسمی شماره ۱۰۶۲۷، ص ۲۹.

۲. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ نهم، زمستان

۱۳۸۳، ص ۲۷۱.

امور اجرائی کشور مورد استیضاح قرار دهند. این استیضاح وقتی قابل طرح است که حداقل به امضای یک سوم نمایندگان برسد.

ماده ۲۳۲ این قانون مقرر می‌دارد: «تقاضای استیضاح رئیس جمهور که باید با ذکر موارد صریح و روشن و مستدل باشد، به رئیس مجلس داده می‌شود. این تقاضا باید در اولین جلسه قرائت شود و ضمن چاپ و توزیع بین نمایندگان برای رئیس جمهور ارسال گردد. در این صورت، رئیس جمهور باید ظرف یک ماه در مجلس حاضر شود و درخصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد.»

بر اساس ماده ۲۳۳ قانون فوق «حداکثر وقت برای مذاکره موافقین و مخالفین پنج ساعت است که به تساوی و متناوباً انجام می‌شود. مدت صحبت برای هر یک از موافقین و مخالفین حداکثر نیم‌ساعت خواهد بود که با رأی مجلس تا یک ساعت قابل تمدید می‌باشد.»

ماده ۲۳۴ قانون آیین نامه داخلی مجلس مقرر می‌دارد: «وقت برای توضیحات و پاسخ‌های رئیس جمهور جمعاً پنج ساعت می‌باشد. رئیس جمهور می‌تواند قسمتی از وقت خود را به نمایندگان موافق واگذار کند. این وقت اضافه بر فرصتی است که به موجب ماده قبل به آنان تعلق می‌گیرد.»

بر اساس ماده ۲۳۵ این قانون «در صورتی که پس از بیانات نمایندگان موافق و مخالف و پاسخ رئیس جمهوری اکثریت دوسوم کل نمایندگان، به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند، مراتب جهت اجرای بند ده (۱۰) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی به اطلاع مقام رهبری می‌رسد. این رأی‌گیری مخفی و با ورقه خواهد بود.»

در صورتی که مقام رهبری عزل رئیس جمهور را موافق مصلحت تشخیص دهد اقدام به عزل رئیس جمهور می‌نماید. رهبر می‌تواند به دلیل این باشد که وی تخلفات صورت گرفته را به حدی نمی‌داند که عزل رئیس جمهور را ایجاب نماید و یا به دلیل اینکه عزل رئیس جمهور منجر به از بین رفتن و یا تهدید مصلحت برتری می‌شود اقدام به عزل رئیس جمهور ننماید.<sup>(۱)</sup>

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰.

## نتیجه گیری

نتیجه‌ای که از مطالب مطرح شده حاصل می‌شود این است که بر اساس بند ۱۰ اصل ۱۱۰ دو روش برای ایجاد زمینه عزل رئیس جمهور وجود دارد: ۱- رأی دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، ۲- رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی. تحقق موجبات فوق می‌تواند منجر به عزل رئیس جمهور توسط مقام رهبری شود. این دو طریق موضوعیت دارند و تنها در صورتی می‌توان اقدام به عزل رئیس جمهور کرد که یا مجلس به عدم کفایت وی رأی دهد و یا دیوان عالی کشور حکم به تخلف وی از وظایف قانونی نماید.

تفصیل نحوه رسیدگی دیوان عالی کشور در قانون اساسی بیان نشده و بند ۱۰ اصل ۱۱۰ صرفاً در مقام بیان مرجع رسیدگی به تخلفات رئیس جمهور از وظایف قانونی بوده و به بیان جزئیات نپرداخته است. دیوان می‌تواند هرگونه تخلف رئیس جمهور را مورد حکم قرار داده و در راستای وظیفه مقرر در بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی به مقام رهبری اعلام نماید و مرجع صدور حکم مبنی بر عزل رئیس جمهور از مقام خود مقام رهبری است. صلاحیت دیوان در این موضوع صرفاً حکم به این امر است که رئیس جمهور متخلف است یا نه و دیوان به استناد این اصل نمی‌تواند مجازاتی برای رئیس جمهور تعیین نماید.

به نظر می‌رسد بدون وجود قانون نمی‌توان اقدام به بررسی موضوع در دیوان عالی کشور نمود و ضروری است قانون مربوطه تصویب شود. نکاتی که باید در قانون مورد توجه قرار گرفته و تعیین تکلیف شود عبارتند از:

۱. مفهوم تخلف از وظایف قانونی.
۲. مرجع صالح برای اعلام تخلف. شایسته است مراجع زیر برای طرح شکایت صالح به رسمیت شناخته شوند: سازمان بازرسی کل کشور (با توجه به شأن نظارت بر حسن اجرای قوانین)، کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات (با توجه به شأن نظارتی) و ...
۳. مرجع رسیدگی به تخلفات موضوع این بند ( رئیس دیوان عالی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور یا شعب دیوان).

۴. شیوه رسیدگی به موضوع در دیوان عالی کشور. (به خصوص در نظر گرفتن حق حضور و دفاع برای رئیس جمهور و تعیین مهلت برای هر مرحله و ...)
۵. نقش دادستانی کل کشور و دادسرای دیوان عالی کشور در بررسی مقدماتی موضوع.
- در رابطه با موضوع رأی مجلس به عدم کفایت رئیس جمهور علاوه بر بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانونگذار اساسی در بند دوم اصل ۸۹ قانون اساسی جزئیات بیشتری را مورد اشاره قرار داده و در قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز در مواد متعددی نحوه استیضاح رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی مشخص شده است.

## منابع و مأخذ

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۳. اردان، فلیپ، ترجمه: رشید انصاریان، نهادهای سیاسی و حقوق اساسی، چاپ اول ۱۳۸۹، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۴. ارسطو، محمدجواد، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۵. الهام، غلامحسین، محاکمه رئیس جمهور در سنجه قانون، قابل دسترسی در: <http://b2n.ir/elham.ir>
۶. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، جلد ششم، تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۷. بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، چاپ اول، گنج دانش، ۱۳۷۶.
۸. تروتابا، لویی و ایزوآر پل، حقوق عمومی (جلد اول-حقوق اساسی فرانسه)، ترجمه: محسن شیخ الاسلامی، چاپ اول، کوشامهر، ۱۳۸۰.
۹. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، زیر نظر سید جعفر شهیدی، جلد دوم، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۰. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد اول، انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۱۱. غمامی، سید محمد مهدی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۲. فاورو، لویی، دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه: علی اکبر گرجی از ندریانی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۸.
۱۳. قاسم زاده، قاسم، حقوق اساسی، تصحیح، تحشیه و پیش‌گفتار: علی اکبر گرجی از ندریانی، چاپ اول، جنگل، ۱۳۹۰.

۱۴. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی»، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۳.
۱۵. قانون اساسی فرانسه، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۱۶. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان دوره اول، خرداد ۱۳۹۰.
۱۷. مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۸. واعظی، مجتبی، دادگستری اساسی (مطالعه تطبیقی نظام های حقوقی فرانسه و آمریکا با نگاهی به حقوق ایران)، جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۹. وفادار، علی، حقوق اساسی و تحولات سیاسی، شروین، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۰. ویژه، محمدرضا، مسئولیت کیفری رئیس جمهور در فرانسه، نشریه حقوق اساسی، شماره اول، ۱۳۸۲.

۲۱. پایگاه اینترنتی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی:

[http://ical.ir/index.php?option=com\\_mashrooh&term=2&Itemid=38](http://ical.ir/index.php?option=com_mashrooh&term=2&Itemid=38)

22. Genovese, Michael A, Encyclopedia of the American Presidency, 2010, Facts On File, Revised Edition.
23. Vile, John R, A Companion to the United States Constitution and Its Amendments, Praeger, 2010, Fifth Edition.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،  
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲  
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵  
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵  
info@shora-rc.ir  
www.shora-rc.ir